

نقد شبهات وهابیت در مکتب بریلوی

سید مهدی علیزاده موسوی^۱

چکیده

مکتب بریلوی به احمد رضا خان بریلوی (۱۸۵۶-۱۹۲۱) انتساب دارد. این مکتب یکی از جریان های داخلی مذهب حنفی - ماتریدی در شبه قاره (هند، پاکستان، بنگلادش) می باشد و امروز بیشترین جمعیت مسلمانان را در این منطقه به خود اختصاص داده است. علاوه بر ماهیت متصوفانه آن، مهمترین اختلاف این مکتب با وهابیت، دیدگاه آن در مورد مقامات پیامبر ﷺ و مسایلی از قبیل اعتقاد به توسل، سماع موتی، زیارت، ولایت تکوینی، استغاثه و به ویژه برگزاری مراسمات مولد النبی ﷺ است. در حالی که وهابیان نگاهی کاملا حداقلی نسبت به این مسایل دارند، بریلویان، رویکردی کاملا انبساطی به این آموزه ها داشته و حتی گوی سبقت را از سایر مسلمانان ربوده اند. همین امر زمینه ایجاد عوام زدگی و خرافه گرایی را نیز در میان بریلویان دامن زده است. اما در مجموع، چنین ویژگی هایی مکتب بریلوی را مهمترین دشمن وهابیت و در مقابل، وهابیت را به مهمترین دشمن بریلوی ها تبدیل کرده است. همچنین این آموزه ها موجب دشمنی شدید این اندیشه با رقیب درون مذهبی خود، یعنی مکتب دیوبند شده است. در این پژوهش عقاید خاص مکتب بریلوی، ناظر به شبهات وهابیت بررسی شده است.

واژه های کلیدی: بریلوی، وهابیت، سماع موتی، توسل، استغاثه، مولد النبی ﷺ، ولایت تکوینی.

احمد رضا خان بریلوی، فقیه، متکلم و اندیشمند قرن نوزدهم (۱۸۵۶-۱۹۲۱م)، یکی از تأثیرگذارترین شخصیت‌های شبه قاره است که علاوه بر آن که به شدت آیین وهابیت و مکتب دیوبند را به چالش کشید، بنیانگذار مکتبی شد که بیشترین پیرو را در کشورهای هند، پاکستان و بنگلادش دارد و حتی دامنه نفوذ آن به مناطق مختلف آفریقا، اروپا و آمریکا نیز کشیده شده است. این مکتب هرچند از نظر کلامی، ماتریدی و از نظر فقهی، حنفی است، اما با رقیب درون مذهبی خود مکتب دیوبند نیز به شدت مخالف است و حتی آنان را کافر می‌شمارد. شبکه بزرگ «دعوت اسلامی» در بیش از صد کشور جهان شعبه دارد و مهمترین مروج اندیشه‌های احمد رضا خان است. در سیستان و بلوچستان نیز مکتب بریلوی هرچند در اقلیت مطلق نسبت به اهل سنت دیوبندی است، اما توانسته است، هویت خود را علیرغم فشارهای زیاد رقیب حفظ کند. تمرکز بریلوی‌های ایران در منطقه چابهار و سراوان است. رهبر درگذشته این اندیشه سید محمد ذاکر حسینی و رهبر کنونی این جریان در چابهار عبدالرحمن ترنج زر است (مطالعات میدانی نویسنده).

در این میان، آنچه مرزهای میان وهابیت و بریلویان را شکل می‌دهد، نگاه حداکثری احمد رضا خان به مقامات پیامبر گرامی اسلام ﷺ و پس از آن اهل بیت علیهم‌السلام و اولیاء، و در مقابل، نگاه حداقلی وهابی‌ان به مسایلی از قبیل علم غیب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کرامات اولیا و نظایر آن می‌باشد. چنین وضعیتی سبب شده است که آموزه‌هایی مانند توسل، سماع موتی، زیارت، بنای بر قبور و جشن‌های ولادت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به شدت توسط وهابی‌ان - و در مقیاس کمتر، دیوبندی‌ان - انکار می‌شود، به نمادهای هویتی بریلوی تبدیل شده و آنان از این آموزه‌ها برای غیریت‌سازی خود در مواجهه با وهابیت و همچنین دیوبندی‌ها بهره برند. به نظر می‌رسد از ادبیات تولید شده و همچنین مواضع بسیار شفاف مکتب بریلوی، علیه وهابیت و برخی از جریان‌های سلفی شبه قاره به خوبی می‌توان بهره برد. البته نباید فراموش کرد که لبه تیز تکفیر بریلوی‌ها، شامل دیگران از جمله شیعه نیز شده است، اما ویژگی این جریان این است که هرگز تکفیر نظری در مکتب بریلوی، به تکفیر عملی و کشتار مخالفان نیانجامیده است. البته در دهه‌های اخیر، این جریان در پی بمب‌گذاری‌ها و عملیات‌های انتحاری گروه‌های افراطی دیوبندی در پاکستان علیه بریلوی‌ها، به روش‌های نسبتاً خشونت‌آمیز روی آورده است که نمونه‌های آن را می‌توان در تشکیل گروه «سنی

اتحاد کانسیل»، «سنی تحریک» و نهایتاً حزب «تحریک لبیک یا رسول الله» مشاهده کرد.

۱. سماع موتی

سماع موتی یا شنیدن اموات^۱ از اختلافات بنیادین میان وهابیت و سایر مسلمانان است. این که آیا اموات توانایی بر انجام کاری دارند یا خیر، و یا می‌توان به آنها متوسل شد، ابتدا موقوف به اثبات این مسأله است که آیا اموات قدرت شنیدن و فهم سخن زندگان را دارند یا خیر؟ (برای آشنایی با مباحث سماع موتی، ر.ک: عزیزاده موسوی، ۱۳۹۳، ۲: ۴۱۹-۴۶۴).

در نگاه عموم مسلمانان، انسان پس از مرگ هر چند جسمش در ظاهر از میان می‌رود، اما روحش نابود نمی‌شود و به جز وهابیان و گروهی از دیوبندیان، سایر مسلمانان معتقدند که قدرت بر شنیدن و آگاهی از زندگی انسان‌ها را به اذن الهی دارد و هر چه مقام فرد بالاتر باشد، چنین قدرتی برای او بیشتر خواهد بود. جالب آنکه اهل سنت نسبت به شیعه دیدگاه موثع‌تری دارند و قائلند که پیامبران در قبورشان زنده‌اند و در حال قیام و قعود و سجود هستند (ر.ک: همان).

در این میان، بریلویان با تکیه بر نظریه «حاضر و ناظر» نه تنها پیامبر گرامی اسلام ﷺ، بلکه بسیاری از اولیاء را حاضر در هر مکان و ناظر بر تمامی جزئیات حیات می‌دانند (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: قادری، محمد عنایت الله، ۲۰۰۳م)، در نگاه آنان سماع موتی نه تنها پذیرفته شده است، بلکه رویکردی حداکثری نسبت به آن دارند. احمد رضا خان در کتاب «حیات الموات فی بیان سماع الاموات»، ابتدا در قالب ۲۵ پرسش، دیدگاه وهابیان و گروهی از دیوبندیان را به چالش می‌کشد و سپس ۶۰ حدیث در اثبات سماع موتی ارائه می‌کند و در پایان ۳۴۰ نقل قول از علمای اسلام در تأیید مسأله سماع موتی می‌آورد (ر.ک: احمد رضا خان بریلوی، ۱۴۳۵م).

در مجموع، نگاه حداکثری آنها به جایگاه و مقامات اولیای الهی، سبب شده است که مسأله سماع موتی نیز گرفتار مبالغه و برخی حکایت‌های اغراق آمیز شود.

به عبارت دیگر هر چند اصل مسأله سماع موتی مورد قبول همه مسلمانان به جز وهابیان و گروهی از دیوبندیان است و مقدمه مباحثی همانند توسل شمرده می‌شود، اما مبالغه در آن و ذکر داستان‌های عجیب پیرامون آن، علاوه بر آن که مکتب بریلوی

۱. معنای لغوی سماع موتی به معنای شنوندن به اموات است که مسامحتاً در این پژوهش به شنیدن اموات تعبیر می‌شود.

را گرفتار نوعی خرافه‌گرایی کرده است، بهانه دست دشمنان می‌دهد، همان‌گونه که الهی‌ظہیر از این فرصت به خوبی استفاده کرده است (الہی ظہیر، ۱۹۸۳: ۷۸-۸۵).

۲. بنای بر قبور

یکی دیگر از عقاید مهم بریلویان ساخت و ساز بارگاه و حرم بر مقابر بزرگان و اقطابشان است. در مناطق بریلوی‌ها، بارگاه و درگاه و حرم، بسیار زیاد است و حتی برخی قبور نیاکان خود را در خانه‌ها ساخته‌اند و آن را به زیارتگاه تبدیل کرده‌اند. در نگاه آنان نه تنها بنای بر قبور حرام و بدعت نیست، بلکه واجب و حداقل جائز است. احمد رضا دلیل بنای بر قبور را از حرمت جنازه مسلمان، استنباط می‌کند که حرمت جنازه مسلمان همانند حرمت او در زمان حیات است.^۱ به همین سبب نیز تعظیم قبر او بعد از مرگ، همانند تعظیم او در زمان حیات است. از این رو نه تنها تخریب ضریح و درگاه جایز نیست، بلکه وی ساخت هرگونه ابنیه مسکونی و یا دفن دیگری در جای میت را حرام می‌شمارد (بریلوی، بی‌تا: ۲۲). حتی اگر اجبار بر ساخت مسجد و یا کتابخانه و یا امور عام‌المنفعه دیگر بر قبور مسلمانان باشد، از نظر او جایز نیست و حرام است. وی به دلیل وهابیان بر حرمت بنای بر قبور اشاره می‌کند که پیامبر ﷺ فرمود: «قاتل الله الیهود اتخذوا قبور انبیائهم المساجد» و می‌گوید اتفاقاً این حدیث در تأیید سخن ماست، چون یهود، حرمت صاحب قبور را نگاه نداشتند و بر آن مسجد ساختند، در حالی که حرمت میت مانند حرمت زنده است (همان: ۲۶). البته بریلویان نظریه هدم قبور وهابیان نجد را به دیوبندیان و اهل حدیث هند - به گفته آنها: وهابیان هند - گره می‌زنند و کسانی همانند شاه اسماعیل دهلوی، صدیق حسن خان قنوجی، خرم علی بلهوری و رشید احمد گنگوهی را نیز در زمره وهابیان می‌شمارند (همان: ۱۱). در دیدارهای متعددی که نویسنده از قبور رهبران مکتب دیوبند مانند اشرف علی تھانوی، محمد قاسم نانوتوی، ابوالحسن ندوی و بسیاری دیگر داشته است، بنایی بر قبور آنها وجود ندارد و صرفاً برآمدگی کوچکی بدون نام، نشانگر وجود قبری در آنجاست.

۳. توسل

در نگاهی اجمالی، توسل وسیله قرار دادن کسی یا چیزی برای تقرب به خدا برای

۱. احمد رضا خان به تفصیل در رساله «اهلاک الوهابیین علی توهین القبور الوهابیین»، به این موضوع پرداخته و آراء فقہای مختلف را آورده است. این رساله به همراه دیدگاه‌های محمد اختر رضا خان - نوه او - منتشر شده است (ر.ک: بریلوی، بی‌تا).

نیل به هدفی مشخص است. به عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای تقرب به خدا و رسیدن به هدفی مانند شفاعت، از طریق زیارت یا برگزاری مراسم میلاد حضرت و... وسیله قرار می‌گیرد (برای اطلاع تفصیلی از مدل مفهومی ارتباط این آموزه‌ها با توسل، ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، جلد ۳، شبهه‌شناسی). توسل یکی از آموزه‌های مورد قبول تمامی مذاهب اسلامی است که بخش عمده‌ای از مصادیق آن، توسط وهابیان انکار شده است. بدون اغراق می‌توان گفت، مهمترین اختلاف میان وهابیان و سایر مسلمانان، آموزه توسل است که در برخی از شقوق آن، وهابیان، مسلمانان را به شرک متهم کرده‌اند (برای آشنایی با آموزه توسل، ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، جلد ۳). البته علیرغم تنوع ظاهری شبهات وهابیت، تمامی آنها مانند تبرک، زیارت، بنای بر قبور، ذبح، سوگند، طلب شفاعت و ... به آموزه توسل باز می‌گردد.

در این میان اگر رویکرد مسلمانان به توسل در قالب بُرداری تصور شود، می‌توان وهابیت را در یک طرف و بریلویان را در سوی دیگر آن قرار داد. در حالی که وهابیان دامنه و حدود و ثغور توسل را محدود می‌کنند و بسیاری از افعال و رفتار مسلمانان را شرک می‌شمارند، بریلویان، دامنه آن را چنان وسیع تعریف می‌کنند که نه تنها پیامبر ﷺ و اولیای الهی، بلکه شامل بسیاری از اقطاب، پیرها و حتی گاهی افراد معمولی نیز می‌شود.

علت چنین رویکردی ریشه در نگاه آنان به مقامات پیامبر گرامی اسلام ﷺ و در مرتبه بعد، سایر بزرگان دین و همچنین رهبران معنوی خود آنها دارد و منطقی تبیین چنین جایگاه و عظمتی، بسترهای لازم را برای اعتقاد حداکثری به آموزه توسل و مفاهیم وابسته به آن همانند تبرک، آماده می‌کند.

بنابراین همان‌گونه که توجه به جایگاه و عظمت پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقطه محوری نظریات مکتب بریلوی است، آموزه توسل و مفاهیم وابسته به آن، همانند تبرک، نذر، میلاد النبی، بنای بر قبور نیز کانونی‌ترین عقیده کلامی مکتب بریلوی است. البته مراد از کانونی‌ترین، ویژگی خاصی است که این مکتب را تشخص بخشیده است و موجب تمایز آن از رقیب آن دیوبند و همچنین وهابیت شده است.

بخش عمده‌ای از آثار احمد رضا خان، به توسل و مباحث پیرامون آن اختصاص یافته است. به گفته خود او آثارش در این زمینه عبارت است از: «حیات الموات فی بیان سماع الاموات»، «نهار الانوار من یم صلاة الاسرار»، «انوار الانتباه فی حل نداء یا

رسول الله»، «الاهلال بفيض الاولياء بعد الوصال»، «الامن و العلى لناعتى المصطفى بدافع البلاء» و «سلطنة المصطفى فى ملكوت كل الورى» (بریلوی، ۱۳۱۹: ۳۱۹-۳۲۰).

البته علیرغم تعداد نسبتاً زیاد عناوین، بخش عمده این آثار در قالب همان رساله‌هایی است که در فتاوی‌ای رضویه در پاسخ به پرسش پیرامون مباحث توسل استفتاء شده است. خود وی نیز آثار فوق را به عنوان رساله معرفی کرده و تنها دو اثر «الامن و العلى لناعتى المصطفى بدافع البلاء» و «سلطنة المصطفى فى ملكوت كل الورى» را به عنوان کتاب نام می‌برد (همان: ۳۲۰).

احمد رضا انکار توسل به پیامبر گرامی اسلام ﷺ توسط وهابیان را در راستای توطئه‌ای برای محو نام و یاد و همچنین تقدس‌زدایی از وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌شمارد. از نگاه وی هرچند تمام علمای اسلام بر صحت و مشروعیت توسل تأکید کرده‌اند، اما بیان دیدگاه‌های آنها برای وهابیان فایده‌ای ندارد، چرا که همه آنان از نگاه وهابیان مشرکند و نظراتشان ارزشی ندارد (بریلوی، ۲۰۰۹: ۱۹؛ بریلوی، ۱۳۱۹: ۳۲۰). وی از محمد بن عبدالوهاب نقل می‌کند که از او پرسیده شد آیا دینی که آورده‌ای متصل به گذشته است (تا به گفته خودت بدعت نباشد) یا از آن جداست (که در این صورت بر مبانی خودت بدعت می‌شود)؟ وی پاسخ داد: اساتید من و اساتید اساتید من تا ششصد سال گذشته همه مشرک بوده‌اند (بریلوی، ۲۰۰۹: ۲۰).

به نظر می‌رسد پیش از آن که مخاطبان اصلی احمد رضا در نقد آرای وهابیت، وهابیان نجد باشند، به تعبیر او وهابیان هندوستان هستند که نماینده ترویج انحرافات وهابیت در شبه قاره بوده‌اند. در رأس این گروه شاه اسماعیل دهلوی نوه شاه عبدالعزیز دهلوی مؤلف کتاب تقویة الایمان است. احمد رضا خان، شاه اسماعیل را امام وهابیت معرفی می‌کند (بریلوی، ۲۰۰۹: ۲۲).

البته نباید فراموش کرد که کتاب «تقویة الایمان» نسخه هندی «کشف الشبهات» محمد بن عبدالوهاب است و چه بسا به سبب شباهت بسیار این اثر با آثار محمد بن عبدالوهاب، سید ابوالحسن ندوی این کتاب را با عنوان «رسالة التوحید» به عربی ترجمه کرده است. دولت عربستان نیز آن را به چاپ رسانده است. گویا این اثر- همچنان که ابوالحسن ندوی در مقدمه ترجمه کتاب به زبان عربی، به آن اشاره می‌کند (همان: ۱۳-۱۵)- در منطقه شبه قاره تأثیر زیادی در گسترش عقاید وهابیت داشته

است، و همین نیز یکی از عوامل تقابل مستقیم و همه جانبه احمد رضا خان با شاه اسماعیل و کتاب «تقویة الایمان» است، که احمد رضا خان، از آن با تعبیر «تفویت الایمان» یاد می‌کند (بریلوی، ۱۴۳۲: ۳۱). اسماعیل دهلوی در این کتاب، مسیر محمد ابن عبدالوهاب را دنبال کرده و هرگونه توسل و تبرک را شرک و برخی را بدعت خوانده است.

احمد رضا خان به اسماعیل دهلوی یادآوری می‌کند که اساتید و مشایخ تو که به شدت به آنها ابراز علاقه می‌کنی، و پدر بزرگ (شاه عبدالعزیز دهلوی) و جد تو (شاه ولی الله دهلوی)، با تمامی دیدگاه‌های تو مخالف بوده‌اند؛ پس یا باید بر اساس عقایدت آنها را گمراه و اهل بدعت بشماری، و یا خودت گرفتار انحراف شده‌ای (بریلوی، ۲۰۰۹: ۲۰-۲۱).

وی سپس عباراتی را از اجداد او نقل می‌کند که همه توسل به پیامبر گرامی اسلام ﷺ را تأیید کرده‌اند؛ از جمله شاه ولی الله که پیامبر ﷺ را تنها کاشف هر مشکل معرفی می‌کند (بریلوی، ۲۰۰۹: ۲۴) و بهترین گزینه برای پناه بردن در هنگام هجوم حوادث زمانه می‌داند. و این، اشاره به شعری از شاه ولی الله با عنوان «طیب النغم فی مدح سید العرب» است که در آن، شاه ولی الله از پیامبر ﷺ می‌خواهد که شفاعت او را بکند و در مشکلات و سختی‌ها به ایشان متوسل می‌شود.

همچنین از شاه عبدالعزیز دهلوی نقل می‌کند که: «اموات قدرت تصرف در دنیا دارند... و حاجت‌مندان از آنان طلب ادای حاجات خود را می‌کنند» (همان: ۲۶، به نقل از شاه عبدالعزیز دهلوی، تفسیر فتح العزیز، ص ۱۱۵). وی همچنین به دیدگاه شاه عبدالعزیز دهلوی، در تحفه اثناعشریه اشاره می‌کند که: «همه مسلمانان، علی عليه السلام و ذریه او را به عنوان مرشد و مشایخ، بسیار محترم می‌شمارند و معتقدند که امور تکوینی متعلق به آنان است...» (همان: ۲۷، به نقل از شاه عبدالعزیز دهلوی، تحفه اثنی عشریه، باب هفتم در امامت، ص ۲۱۴). وی سپس به این شعر اشاره می‌کند که شاه ولی الله دهلوی آن را بسیار توصیه کرده است:

ناد علیا مظهر العجائب تجده عوناً لک فی النوائب
کل هم و غم سینجلی بولایتک یا علی یا علی

(همان، به نقل از محمد غوالیاری، الجواهر الخمسه، ص ۲۸۲ و ۴۵۳).
دلایل رهبران بریلوی بر مشروعیت توسل، تفاوتی با ادله سایر مکاتب اسلامی ندارد و بر همان سبک منطقی مفهوم شناسی توسل، توسل در آیات، توسل در

روایات، توسل در سیره بزرگان دین و پاسخ به شبهات سامان یافته است (به عنوان نمونه ر.ک: قادری، میان ظاهر شاه، ۲۰۰۳م). همچنین آیات و روایات نیز مشترک است؛ هرچند در میان بریلویان گاه به روایات و آیات بیشتری استناد می‌شود. به عنوان نمونه احمد رضا در یکی از آثار خود به ۵۰ آیه شریفه از قرآن و ۳۰۰ حدیث نبوی استناد می‌کند (ر.ک: بریلوی، ۱۳۱۹ق). در بخش دیگری از تألیفات بریلویان به اقسام توسل و مصادیق آن اشاره شده است (به عنوان نمونه ر.ک: نقشبندی، نور احمد محمود، ۱۴۲۵ق).

احمد رضا خان در پاسخ به استفتایی که از معنای «ایاک نعبد و ایاک نستعین» و شبهه تنافی آن با توسل پرسیده شده است، با استناد به آیات و روایات پاسخ داده است. احمد رضا به آیات ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: ۳۵) و آیه شریفه ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَأَسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (نساء: ۶۴) استدلال می‌کند (بریلوی، ۱۳۱۹ق: ۳۰۵). همچنین آیه ﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (بقره: ۴۵) و «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) نیز مورد استشهد اوست (همان).

وی در روایات بیشترین تمرکز خود را بر روایاتی قرار می‌دهد که در آنها به کمک گرفتن از امور مختلف توصیه شده است. مانند اینکه از غذای سحر برای روزه کمک بگیرید و یا از خواب قیلوله برای بیداری در شب و عبادت یاری جوید و یا از صدقه برای روزی زیاد مدد بگیرید (همان: ۳۰۶). همچنین به روایاتی استناد می‌کند که پیامبر فرموده است حوائج و خواسته‌های خود را از خوشرویان بگیرید و این بیان، اصل طلب و استمداد را ثابت می‌کند (همان: ۳۰۸). وی سپس به روایاتی اشاره می‌کند که مستقیماً به توسل و یاری خواستن از پیامبر گرامی اسلام ﷺ اشاره دارد (همان: ۳۰۸-۳۱۹).

احمد رضا سپس به اقوال علما می‌پردازد و بیش از ۲۰ عنوان کتاب از علمای شبه قاره و غیر شبه قاره را نام می‌برد که در اثبات توسل تألیف شده‌اند. همچنین نعیمی در جاء الحق به تفصیل به دلایل عقلی و نقلی توسل پرداخته و به شبهات در این زمینه پاسخ داده است (نعیمی، ۲۰۰۳: ۱۶۰-۱۷۶).

۴. ولایت تکوینی

پیش‌نیاز آموزه توسل، ولایت تکوینی و یا همان قدرت بر انجام اموری است که انسان‌ها به طور معمولی توانایی انجام آن را ندارند، و در مباحث کلامی با عنوان «ما لا

یقدر علیه الا الله» مطرح می‌شود (ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، ج ۳، شبهات توحید و شرک). در این میان در نگاه احمد رضا خان و اتباع وی، بزرگان صوفیه قدرت فرابشری داشته و می‌توانند مشکلات و آلام مریدان خود را برطرف کرده و حوائج آنان را نیز برآورده کنند. اعتقاد به چنین قدرت‌هایی نیز ریشه در نگاه حداکثری احمد رضا به مقامات آنان دارد. با این وجود شخص پیامبر گرامی اسلام ﷺ، در نگاه بریلویه دارای قدرتی است که پس از خداوند متعال، ایشان را فعال ما یشاء می‌کند:

«هرچه در عالم وجود دارد به واسطه پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. تمام کلیدهای جهان در دست اوست. هیچ چیزی از گنجینه‌های جهان خارج نمی‌شود مگر به دست او و اگر او نظرش بر چیزی باشد، خلاف آن امکان ندارد و در جهان کسی نمی‌تواند او را منصرف کند» (بریلوی، ۱۴۳۲: ۶).

وی در شعر بلندی که پیرامون اوصاف پیامبر گرامی اسلام ﷺ به زبان اردو دارد، می‌گوید:

«پیامبر گرامی اسلام ﷺ از هرگونه بیماری و درد مبرا است و هر مشکلی را از امت دفع می‌کند و او محیی است. او مشکلات را رفع کرده و موجب منفعت خلق می‌شود؛ او حافظ و ناصر است و دفع کننده بلایا است. او آتش را بر ابراهیم علیه السلام گلستان کرد. او می‌بخشد و عطا می‌کند و حکم او در دو دنیا جاری و نافذ است» (همان: ۴).

همچنین عباراتی همانند مالک عرش، متصرف در کل مکان، خلیفة الله اعظم، متصرف در آسمان و زمین، مالک زمین و آسمان‌ها و انسان‌ها و... در متون بریلویه بسیار به چشم می‌خورد (به عنوان نمونه ر.ک: فتاوی رضویه، ج ۱).

احمد رضا خان در پاسخ به مخالفان که وی را متهم به شرک می‌کنند، معتقد است آنان نتوانسته‌اند درک کنند که نسبت دادن قدرت به کسی، گاهی به صورت ذاتی است و گاهی به صورت اعطایی. آنچه شرک است، انتساب قدرت ذاتی به غیر خدا است؛ اما اعتقاد به قدرت اعطایی چگونه می‌تواند شرک باشد، در حالی که در خود عبارت «قدرت اعطایی» انتساب آن به خداوند کاملاً مشهود است؟ اگر چنین انتسابی شرک باشد، تمامی اعمال انسان‌ها که قدرت در آنها وجود دارد، شرک است؛ چرا که همه آنها از سوی خداوند اعطا شده است، در حالی که هیچ عاقلی به چنین دیدگاهی معتقد نیست (همان: ۲۹-۳۴).

وی سپس به نقد دیدگاه اسماعیل دهلوی در تقویة الایمان می‌پردازد که وی

اعتقاد به قدرت ذاتی و قدرت اعطایی برای اولیای الهی را مطلقاً شرک می‌شمارد (همان: ۳۳).

۵. استغاثه

در میان مباحث توسل، استعانت و استغاثه از مباحث کلیدی شمرده می‌شود و معمولاً وهابیان نسبت به آن حساسیت خاصی دارند، تا آنجا که اگر درخواست از وسیله با خضوع و خشوع باشد، از نگاه آنان شرک اکبر است. این در حالی است که در نگاه بریلویان، مسأله استغاثه و درخواست همراه با خضوع و خشوع، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مورد تأکید دین و لازم است. چنین رویکردی ریشه در اعتقاد به قدرت تکوینی پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سایر اولیای الهی دارد. نگاه حداکثری احمد رضا خان و پیروان او به ولایت تکوینی بزرگان دین و در رأس آنان پیامبر گرامی اسلام ﷺ، سبب شده است که هرگونه توسل در قالب نداء، دعا، استغاثه، استعانت و... از منظر مکتب بریلوی صحیح و مشروع باشد.

چنانکه گفته شد، چنین مفاهیمی حد فاصل میان جریان سلفی وهابی و سایر جریان‌های اسلامی است و تقریباً تمامی فرق اسلامی این مفاهیم را پذیرفته‌اند، اما تنها حدود و ثغور آن و کیفیت آن و میزان تعبد به آن در میان فرق مسلمانان متفاوت است و در این میان بریلویان، از سایر فرقه‌های اسلامی جلوترند. دفع بلا، جلب منافع، تغییر سرنوشت محتوم و... از مبانی فکری بریلویان در حوزه توسل است.

احمد رضا خان و سایر بریلویان تلاش بسیاری را برای اثبات این ویژگی برای پیامبر گرامی اسلام ﷺ و بزرگان دین کرده‌اند. احمد رضا برای اثبات این دیدگاه ۶ آیه و ۶۰ حدیث از پیامبر گرامی اسلام ﷺ ارایه می‌کند (بریلوی، ۲۰۰۹: ۳۵-۵۵). همچنین ۴۴ آیه شریفه و ۲۴۰ روایت را برای اثبات قدرت پیامبر و اولیای الهی برای قضای حوائج متوسلین ذکر می‌کند (همان: ۵۶-۲۳۵).

بخش عمده‌ای از محتوای «حدائق بخشش» که اشعار احمد رضا خان است، نیز اشاره به آموزه توسل و استغاثه دارد. به عنوان نمونه شعر فارسی «اصل‌ها ثابت و فرع‌ها فی السماء» طلب کمک و امداد از پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. عنوان دیگر این قصیده به فارسی عبارت است: «ناله دل زار به سرکار ابد قرار» طلیعه این قصیده‌ی نسبتاً طولانی عبارت است:

یا خدا بهر جناب مصطفی امداد کن یا رسول الله از بهر خدا امداد کن

(بریلوی، ۲۰۱۲: ۳۱۹).

وی در ادامه این قصیده به امیرالمؤمنین علیه السلام^۱ و امام حسین علیه السلام^۲ در دو ترجیع‌بند جداگانه پرداخته و سایر ائمه علیهم السلام^۳ را نیز در یک ترجیع‌بند می‌آورد.

اما متأسفانه رهبران و اتباع مکتب بریلوی، با تسری این مقامات به سایرین، راه افراط را پیش گرفته‌اند و همین افراط‌گرایی، این اندیشه را گرفتار نوعی عوام‌زدگی کرده است. به عنوان نمونه نماز غوثیه که در آن فرد دو رکعت نماز می‌خواند، سپس ۱۱ گام به طرف بغداد برمی‌دارد و در هر قدم نام گیلانی را می‌گوید و حاجت خود را می‌طلبد، از آن جمله است (نعیمی، ۲۰۰۳: ۲۰۰).

همچنین احمد رضا خان در قالب شعر می‌گوید:

یا ظل اله شیخ عبدالقادر شیئا لله شیخ عبدالقادر
عطفاً عطفاً عطف عبدالقادر اصرف عنا الصروف عبدالقادر

(بریلوی، ۲۰۱۲: ۱۸۶)

همچنین به گفته وی: «عبدالقادر متصرف در عالم است و مأذون و مختار است و او مدبّر امور در عالم است» (همان: ۶۴). در شعر «شجرة ثابت و فرعها فی السماء» نیز چنین به نظر می‌رسد که عبدالقادر گیلانی و بزرگان صوفیه را هم تراز ائمه علیهم السلام قرار می‌دهد. به عنوان نمونه او خطاب به عبدالقادر می‌گوید:

آه یا غوثاه یا غیثاه یا امداد کن یا حیاة الجود یا روح المنا امداد کن

(بریلوی، ۲۰۱۲: ۳۳۱).

چنین دیدگاه‌هایی سبب شده است که پیروان و عامه بریلویان، به اندک نشانه‌ای که گاه در تخیلات و توهمات ریشه دارد، به فردی معتقد شوند و برای رفع بلا و مشکلات به وی متوسل شوند. جدای از افرادی مانند سید عبدالقادر گیلانی، خواجه

۱. این شعر با عنوان «فغان جان غمگین بر آستان والا تمکین اسدالله المرتضی کرم الله وجهه» سروده شده است. طبیعه این سروده عبارت است از:

مرتضی شیر خدا مرحب گشا خیر گشا سرورا لشکرگشا مشکل گشا امداد کن
(بریلوی، ۲۰۱۲: ۳۲۳).

۲. عنوان این سروده «غیر دل تفتگان کرب و بلا بر در حسین سید الشهداء» است. مطلع این سروده عبارت است از:
یا شهید کربلا یا دافع کرب و بلا گل رخا شهزاده گلگون قبا امداد کن
(بریلوی، ۲۰۱۲: ۳۲۶).

۳. عنوان این سروده عبارت است از: «تر زبانی مدح نگار بذکر بقیه ائمه اطهار و دیگر اولیای کبار تا حضرت غوثیت مدار». مطلع این سروده عبارت است از:

باقی اسبیاد یا سجاد یا شاه جواد خضر ارشاد آدم آل عبا امداد کن
(بریلوی، ۲۰۱۲: ۳۲۸).

معین الدین چشتی و داتا گنج بخش که جایگاه بسیار بالایی در دفع بلا یا و برآورده شدن حاجات در میان بریلویان دارند، افراد غیر مشهور مانند کرمان والی، میان صاحب شرقپوری، میان فتح محمد بهور شریف، خواجه خاوند محمود، خواجه محمد غوث لاهوری و... از جمله افرادی هستند که به اعتقاد بریلوی‌ها دارای تصرفات ویژه در عالم تکوین هستند (برای نمونه ر.ک: چودهری نور احمد مقبول، اولیاء الله سی توسل اور استمداد بعد از وصال).

۶. مولد النبی ﷺ

برگزاری مراسمات مختلف در بزرگداشت و یا فقدان پیامبر گرامی اسلام ﷺ و سایر بزرگان دین، از مهم‌ترین اختلافات میان مسلمانان و جریان‌های سلفی است. در حالی که مسلمانان برگزاری چنین مراسماتی را مصداق تعظیم شعائر اسلامی و تعظیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌دانند، وهابیان، اهل حدیث و دیوبندیان آن را بدعت در دین معرفی کرده و با این توجیه که در صدر اسلام چنین برنامه‌هایی برگزار نشده است، آن را نفی می‌کنند.

در این میان بریلویان در برگزاری جشن‌های میلاد پیامبر ﷺ گوی سبقت را از سایر مذاهب و فرق اسلامی ربوده‌اند، تا آنجا که این جشن‌ها گاه دو ماه به درازا می‌انجامد. این مراسمات که در تمامی مناطق حضور بریلویان، از روستاهای دور افتاده در پاکستان، هندوستان و بنگلادش گرفته تا آفریقا و اروپا و آمریکا برگزار می‌شود، امروز به یکی از ویژگی‌های هویتی بریلویان تبدیل شده است و عملاً نام بریلوی مترادف با برگزاری میلاد پیامبر گرامی اسلام ﷺ و جشن‌های مربوط به آن است.

در این جشن‌ها برنامه‌های متنوعی از قبیل قرائت قرآن، بیان فضائل و شمائل حضرت و نعت‌خوانی برگزار می‌شود. همچنین معمولاً افراد، اشعاری را که در مدح پیامبر گرامی اسلام سروده‌اند، با آواز می‌خوانند. بخش مهم این مراسم، خواندن اشعاری است که احمد رضا بریلوی در وصف پیامبر گرامی اسلام در «حدائق بخشش» سروده است. شعر سلامیه، مصطفی جان و ... از اشعار معروفی است که معمولاً توسط بریلوی‌ها در ایام ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ خوانده می‌شود. همچنین یکی از مهم‌ترین برنامه‌های این مراسمات اطعام‌های بسیار گسترده، توزیع شیرینی‌جات و انواع خوراکی‌ها و آشامیدنی‌های بومی و محلی است (مشاهدات میدانی نویسنده).

به نظر می‌رسد مراسم مولد النبی، از سوی بریلویان به نمادی برای مقابله با وهابیت و به ویژه جریان دیوبند در منطقه تبدیل شده است و آنان بر اساس

غیریت‌سازی، به شدت به برگزاری این مراسم مقیدند.

دشمنان آنها به ویژه اهل حدیث و وهابیان، به شدت به آنها می‌تازند و برگزاری چنین مراسمی را بدعت در دین می‌شمارند. آنان همچنین در توصیف کیفیت برگزاری این مراسمات اغراق می‌کنند و برخی از محرمات مانند اختلاط زن و مرد، انجام رقص و آواز و اسراف را به این گروه نسبت می‌دهند.

بریلویان برای اثبات مشروعیت مولد النبی، آثار فراوانی نگاشته‌اند و به شبهات وهابیان پاسخ داده‌اند (به عنوان نمونه ر.ک: نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵ق).

آنان برای مشروعیت جشن میلاد النبی ﷺ به آیاتی از قرآن کریم استدلال کرده‌اند. به عنوان نمونه از آیه شریفه‌ای که خداوند از انبیاء میثاق می‌گیرد که با آمدن پیامبر آخرالزمان به او ایمان بیاورند و او را یاری کنند (آل عمران: ۸۱. نیز: صف: ۶)، ولادت حضرت را لازمه آمدن، تفسیر می‌کنند؛ بنابراین ولادت اهمیت بسیاری دارد؛ چرا که نقطه عزیمت مشروعیت دعوت پیامبران ﷺ و صحت پیامبری آنان است و مشخص است که تا چه اندازه دارای اهمیت است؛ بنابراین باید مورد تکریم قرار گیرد (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۳۰-۳۵).

همچنین به آیاتی اشاره می‌کنند که در آنها رسماً به مسأله ولادت پیامبران و اولیای الهی اشاره شده و مورد ستایش قرار گرفته است. مانند داستان تولد حضرت مریم (آل عمران: ۳۵-۳۶) و داستان مفصل تولد حضرت عیسی ﷺ (مریم: ۱۶-۳۳) و سخنان حضرت عیسی ﷺ پیرامون چگونگی ولادتش در میان منتقدان به حضرت مریم (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۳۷-۴۷).

همچنین آنان به آیات ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (یونس: ۵۷-۵۸) استناد می‌کنند که به مسلمانان دستور می‌دهد که برای نزول قرآن خوشحالی کنید! آنان با ضمیمه کردن آن به سوره قدر که قرآن در شب قدر نازل شده است، چنین نتیجه می‌گیرند که همه فرق اسلامی اعم از اهل حدیث، دیوبندی‌ها و بریلوی‌ها، به گرمی داشتن شب قدر مقیدند و آن را جشن می‌گیرند و مراسم مختلفی را انجام می‌دهند؛ چرا که نعمت قرآن در آن شب بر آنها نازل شده است. بنابراین نزول نعمتی بالاتر و ارزشمندتر مانند پیامبر گرمی اسلام ﷺ که خداوند با ولادتش آن را به انسان‌ها ارزانی داشته است، به مراتب مهم‌تر است (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۴۷-۴۹). همچنین، با استناد به اقوال برخی از

علمای شبه قاره مانند عبدالحق محدث دهلوی که گفته‌اند شب قدر همان شب ولادت آن حضرت است (به نقل از عبدالحق دهلوی، ماذکر بالسنة ذکر شهر ربیع الاول، ص ۵۹)، و یا به گفته برخی دیگر مانند قسطلانی و ابن عابدین دمشقی که شب ولادت آن حضرت از شب قدر نیز با اهمیت‌تر است، به تقویت این دیدگاه می‌پردازند (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۵۰-۵۳). همچنین آیاتی که زمان نزول نعمت‌های الهی را عید می‌شمارد (مثل: مائده: ۱۱۴)، به دلالت تضمینی، دلیل بر این است که نزول نعمت بزرگ پیامبر ﷺ که با ولادت وی به وجود آمد، برای مسلمانان بزرگ‌ترین عید است. و اگر پذیرفتیم که وجود مقدس پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای مسلمانان نعمت است، قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ (ضحی: ۱۱) و مراسم میلاد پیامبر ذکر نعمت الهی یعنی وجود پیامبر گرامی اسلام ﷺ است (عطاری، ۱۴۳۴: ۸).

از طرف دیگر خداوند دستور داده است که او را یاد کنیم (انفال: ۴۵)، و در جای دیگر می‌فرماید که نام تو را بلندآوازه کردیم (ضحی: ۴؛ قلم: ۵۱-۵۲)، بنابراین ذکر یاد و تعظیم پیامبر ﷺ (اعراف: ۱۵۷؛ فتح: ۸؛ مائده: ۱۲) در ایام ولادت، همان ذکر خداوند است (عطاری، ۱۴۳۴: ۱۰؛ نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۶۸-۷۲). علاوه بر این، تکریم ایام ولادت پیامبر گرامی اسلام، تعظیم شخص پیامبر است که مورد تأکید قرآن قرار گرفته است (فتح: ۹).

در باب روایات نیز روایات بسیاری نقل شده است که برخی اشاره به تقلیل عذاب ابولهب در روز دوشنبه دارد که روز ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ بوده است. چون ثویبه کنیز ابولهب پیامبر گرامی اسلام ﷺ را شیر داده بود (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۷۸-۸۶) به گفته عبدالحق دهلوی که بسیار مورد استناد علمای بریلوی است: «و در اینجا هند است که اهل موالید را که در شب میلاد آنحضرت ﷺ سرور کنند و بذل اموال نمایند یعنی ابولهب که کافر بود و قرآن به مذمت وی نازل شده، چون به سرور میلاد آنحضرت و بذل شیر جاریه وی به جهت آن حضرت جزا داده شد؛ تا حال مسلم که مملو است به محبت و سرور و بذل مال؛ و در وی کند چه باشد؟» (همان، به نقل از عبدالحق دهلوی، مدارج النبوات، ج ۲، ص ۱۹).

همچنین روایات بسیاری توسط آنان نقل شده و شیوه ارتباط آن نیز با موضوع میلاد النبی بیان شده است و سیره و اقوال علما و مسلمانان در برگزاری مراسم جشن پیامبر ﷺ نیز به تفصیل بیان شده است (به عنوان نمونه ر.ک: نقشبندی، ۱۴۳۵ق).

بخشی از مباحث مولد النبی در میان بریلویان پاسخ به مخالفان است که این مراسم را بدعت در دین شمرده‌اند. آنان اولاً با دلایلی که گفته شد، منکر بدعت بودن مولد النبی ﷺ هستند، و ثانیاً بر فرض بدعت بودن، همانند سایر اهل سنت، بدعت را به دو نوع خوب (حسن) و بد (سوء) تقسیم می‌کنند و مولد النبی را ذیل بدعت‌های حسن می‌آورند. بنابراین از نگاه آنان نه تنها حرام نیست، بلکه مستحب است (عطاری، ۱۴۳۴: ۵۳-۵۹). البته در میان شیعه اموری همانند مولد النبی ﷺ به عنوان بدعت شمرده نمی‌شود؛ چرا که بدعت به معنای «نوآوری و ادخال آنچه در دین نیست در دین» است و هر صورت آن حرام است. در نگاه شیعه مراسم مولد النبی اصلاً بدعت نیست، بلکه مصداقی از مصادیق عموماتی است که در کتاب و سنت پیرامون تکریم و تعظیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ وارد شده است (برای آشنایی بیشتر ر.ک: علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، ۲: ۳۶۱-۴۱۱).

احمد رضا خان بریلوی، در دلایل مشروعیت مولد النبی ﷺ، بیشتر بر این نکته تأکید دارد که وجود پیامبر گرامی اسلام ﷺ مهم‌ترین نعمت آفرینش است و قرآن به شکر نعمت دستور داده است. وی در پاسخ به شبهه بدعت نیز آن را ذیل اطلاقات کتاب و سنت می‌شمرد. وی همچنین قائل است که هر عاقلی حکم می‌کند که روز ولادت عصاره عالم آفرینش باید بزرگ داشته شود و این سیره متشرعه در این زمینه است. احمد رضا خان نیز به آیات و روایات پیشین استدلال می‌کند (بریلوی، ۲۰۰۶، ۲۹: ۲۴۹-۲۵۱).

بخش دیگری از ادبیات علمی مولد النبی به مباحث افعال و اعمال مولد النبی مربوط می‌شود. به این معنا که چه اعمالی در این مراسمات جایز و چه اعمالی جایز نیست؟ در این حوزه نیز استدلال بر مشروعیت اعمال، استفاده از اطلاق «فلیفرحوا» است که به مسلمانان توصیه می‌کند شاد باشید. بریلویان برای مصادیق شادی نیز به احادیث و سیره متوسل شده‌اند. به عنوان نمونه راهپیمایی و خروج از منزل در شب میلاد را به داستان هجرت پیامبر ﷺ از مکه به مدینه مرتبط می‌کنند که در آن مسلمانان برای استقبال از مدینه خارج شدند و بر بام‌ها و کوچه‌ها به شادمانی پرداختند (عطاری، ۱۴۳۴: ۴۴-۵۳). همچنین برای افزایش پرچم، چراغانی کردن، نعت خوانی، تزیین مجالس، روزه گرفتن و اطعام نیز مستنداتی از سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و صحابه و تابعین ذکر می‌کنند (همان).

در میان آلات موسیقی نیز، احمد رضا خان معتقد است، اگر دف بدون وجود

جلال - زنگوله‌های اطراف دف - باشد و نوازندگان نیز از افراد با شخصیت و شناخته شده اعم از زن و مرد نباشند و موجب فتنه نشود، نه تنها جایز است، بلکه بنا بر برخی روایات، مستحب است (بریلوی، ۲۰۰۶، ۲۱: ۶۴۳).

با مراجعه به منابع بریلوی‌ها، مشاهده می‌شود که احکام مربوط به برگزاری مراسم مولد النبی ﷺ به خوبی بیان شده است. حکم مسایلی از قبیل احکام استفاده از آلات موسیقی جدید، خواندن بانوان، خواندن نوجوانان زیبا و خوش صدا، پول گرفتن برای نعت خوانی، نعت خوانی بدون وضو، ایستادن هنگام نام بردن از پیامبر گرامی اسلام ﷺ، برای مدیریت این مراسمات بیان شده است (برای نمونه ر.ک: عطاری، ۱۴۳۴: ۷۸-۱۰۷).

۷. میلاد النبی و مکتب دیوبند

همان‌گونه که گفته شد بریلویان مراسم مولد النبی ﷺ را به نمادی برای هویت خود تبدیل کرده‌اند و از آن در غیریت‌سازی در برابر دیوبندیان در شبه قاره هند استفاده می‌کنند. به ویژه آنکه گاه این مراسمات بیش از دو ماه به درازا می‌انجامد و پرچم‌ها و شعارهای گوناگون میلاد، در و دیوار شهرها و روستاها را پوشش می‌دهد. در این میان برخی از علمای بریلوی کوشیده‌اند نشان دهند در میان دیوبندی‌ها نیز اعتقاد به مولد النبی ﷺ وجود داشته و حداقل علمای سلف این اندیشه، تا حدودی آن را پذیرفته بودند.

به عنوان نمونه نقشبندی لیست بلندی از بزرگان دیوبندی را فهرست می‌کند که آنان مشروعیت میلاد النبی ﷺ را پذیرفته و یا آن را مباح دانسته‌اند. به گفته وی اشرف علی تهانوی - از اکابر دیوبند - از قول مرشد صوفی خودش حاجی امداد الله مهاجر مکی، مشروعیت مولد النبی را فتوا داده است (نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵: ۲۷۶، به نقل از اشرف علی تهانوی، امداد المشتاق: ملفوظات شاه محمد امداد الله مهاجر مکی، ج ۲، ص ۴۷، چاپ مولتان). برخی دیگر همانند عبدالحی دیوبندی فرنگی محلی (همان: ۲۷۹، به نقل از عبدالحی دیوبندی، مجموعه الفتاوی، ج ۲، ص ۲۸۴، کراچی)، شاه محمد اسحاق دهلوی (همان: ۲۸۴، به نقل از محمد اسحاق دهلوی، مرآة المسائل)، محمد قاسم نانوتوی مؤسس دارالعلوم دیوبند (همان: ۲۹۳، به نقل از اشرف علی تهانوی، ارواح ثلاثه، ص ۲۴۶، کراچی)، مفتی محمد میان رئیس جمعیت علمای اسلام پاکستان (همان: ۲۹۵) از جمله کسانی هستند که یا بر مشروعیت و استحباب جشن مولد النبی نظر داده‌اند و یا حکم به اباحه داده‌اند.

علم اسلامی
سال سی‌دوم، شماره صد و بیست و هفت

علیرغم تمام این آراء خوشبینانه، نمی‌توان موضع صریحی را از سوی دیوبندی‌ها در این عرصه مشاهده کرد. گاه همان‌گونه که آمد، به استصحاب و اباحه آن فتوا می‌دهند؛ چنانکه خلیل احمد سهارانپوری در کتاب «المهند علی المفند» که به امضای بسیاری از اکابر دیوبند رسیده است، می‌گوید:

«دور باشد اینکه احدی از مسلمین چه رسد به ما، که قائل شویم ذکر و یاد زمان ولادت شریف حضرت نبی ﷺ، و بلکه یاد غبار کفش پیامبر ﷺ و بول حمار حضرت مستقبح و از بدعات سیئه و حرام باشد، پس احوالی را که ادنی تعلقی به رسول اکرم ﷺ داشته باشد، به یاد آوری آن از محبوب‌ترین مندوبات و بالاترین امر مستحبی نزد ما می‌باشد، حال می‌خواهد به یاد آوردن زمان ولادت شریف حضرت باشد و یا ذکری از بول و مدفوع، قیام و قعود، خواب و بیداری حضرت باشد» (سهارانپوری، ۱۴۲۵: ۷۸).

اما از طرف دیگر برگزاری مراسم مولد النبی ﷺ توسط رهبران آنها بدعت و ضلالت معرفی می‌شود؛ تا آنجا که به نظر می‌رسد دیوبندی‌ها نیز با مخالفت گسترده با این مسأله و همچنین عدم مشارکت در این جلسات، عملاً نوعی هویت در برابر بریلوی‌ها برای خود ایجاد کرده‌اند.

فتاوی صریح دیوبند بر حرمت و بدعت شمردن این مراسمات، دلیل محکمی است که دیوبندی‌ها، مراسم مولد النبی را بر نمی‌تابند. آنان معتقدند که ذکر سال، ماه و تاریخ دقیق ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ، نه تنها جایز بلکه امر پسندیده‌ای است؛ اما این که افعالی منتسب به این شب شود و یا اوراد و اذکار خاصی در این شب‌ها خوانده شود، از بزرگان دین نرسیده است و بنابراین بدعت است. مسائلی از قبیل قوالی، نعت خوانی، ایستادن بعد از شنیدن نام پیامبر ﷺ و... جایز نیست و آنچه از ایستادن امداد الله مهاجر مکی پس از شنیدن نام پیامبر ﷺ نقل شده است، عمل غیر اختیاری او بوده است نه با اختیار (darulifta-deoband.com). فتاوی شماره ۳۵۵۰۵.

در فتاوی دیگری یاد ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ امری پسندیده شمرده شده است، اما برگزاری مراسم خاصی در شب ولادت مانند چراغانی، اطعام، اختلاط زن و مرد، کارهای قبیح و ناپسندیده و همچنین بدعت در دین معرفی شده است (همان: فتاوی شماره ۱۷۱۷۳۴). در این فتوا از رشید احمد گنگوهی نقل شده است که وی رسماً برگزاری چنین مراسمی را منع کرده و آن را بدعت شمرده است که در سال‌های

نخستین اسلام، چنین مراسمی سابقه ندارد و بعدها ایجاد شده است (به نقل از فتاویٰ رشیدییه. جالب آنکه بریلوی‌ها از قول رشید احمد نقل کردند که وی با نقل عمل حاجی امداد الله تلویحا با برگزاری این مراسم موافق بوده است).

در مجموع، دیوبندی‌ها با ذکر اوصاف ولادت پیامبر گرامی اسلام مخالف نیستند، اما از دو جهت با برگزاری مراسمات مولد النبی ﷺ مخالفند. جهت اول اینکه، برگزاری این مراسم در شب خاص، هرچند بیان اوصاف پیامبر ﷺ، قرآن خوانی، بیان روایات و ... باشد، بدعت است و سابقه‌ای در اعمال و رفتار پیامبر ﷺ، صحابه و تابعین ندارد، و جهت دوم اینکه، معمولا این مراسمات با برخی اعمال خلاف شرع مانند موسیقی، اختلاط میان زن و مرد، بیداری شرکت کنندگان تا نیمه‌های شب و سهل انگاری در انجام فرائض مانند نماز صبح، طرح روایات ضعیف و بیان خرافات همراه است (همان: فتاویٰ شماره ۶۲۳۱۵). بنابراین از نگاه دیوبندیان شرکت در این مراسم حرام و ضلالت است (همان: فتاویٰ شماره ۵۰۸۹۶). خلیل احمد در «المهتد علی المفتمد» به خوبی به این مسأله اشاره کرده است:

«ذکر ولادت شریف سیدمان حضرت رسول ﷺ به روایات صحیح ثابت می‌باشد، و این مجلس هم باید در اوقات خالی از وظایف عبادات واجب و به صورتی برگزار شود که مخالفتی با طریقه صحابه اهل قرون ثلاثه و با اعتقاداتی که موهوم شرک و بدعت و آدابی را که مخالفتی با سیره صحابه - که مصداق قول پیامبر ﷺ که می‌فرمایند: «آنچه را که من و اصحابم بر آن روش هستیم» - و مجالسی خالی از منکرات شرعی برگزار گردد که در این صورت این مجلس موجب خیر و برکت خواهد بود؛ به شرط اینکه مقارن به صدق نیت و اخلاص و اعتقاد به اینکه این عمل از جمله اذکار حسنه و مستحبه باشد، علاوه بر اینکه مقید به وقتی هم نباشد، حال اگر چنین مجلسی گرفته شود، من احدی از مسلمین را نمی‌بینم که حکم به عدم مشروعیت چنین عملی را بدهند. پس، از این مطالبی که گفته شد دانسته شد که ما منکر ذکر ولادت شریف نبوی ﷺ نیستیم، بلکه ما منکر کارهای منکری هستیم که با این مجالس همراه می‌گردد. همانطور که در مجالس مولودی در هند چنین چیزهایی از این قبیل دیده می‌شود: ذکر روایات بی اساس و جعلی، اختلاط مردان و زنان، اسراف در روشن کردن شمع و تزئینات، اعتقاد به اینکه حضور در چنین مجالسی واجب بوده و بدین خاطر به طعن و سب و تکفیر کسی که در این مجالس حاضر نگردد می‌کنند و غیر از این کار، از منکرات شرعی که این مجالس از این کارها به دور نمی‌باشند، پس اگر این مجالس عاری از این اعمال باشد، هرگز کسی چنین مجالسی را انکار نکرده و بدعت نمی‌شمارد

و چگونه گمان می‌شود که مسلمانی این قول شنیع را به زبان بیاورد، اینکه علمای دیوبند مخالف برگزاری مجلس مولد النبی هستند، از افتراءاتی است که ملحدین کذابین به ما نسبت می‌دهند» (سهارانپوری، ۱۴۲۵: ۸۰).

در پاسخ جهت اول، بریلویان شواهدی از دوران‌های گذشته می‌آورند و همچنین مراسم مولد النبی ﷺ را ذیل اطلاقات قرار می‌دهند. و اما نسبت به جهت دوم، حداقل می‌توان گفت از حیث نظری، احکام این مراسم با عنایت به فقه حنفی توسط علمای بریلوی تدوین شده است و رفتار عوام را نباید به پای معتقدات مکتب نوشت.

در جمع میان آراء سلبی و ایجابی دیوبند، باید به این نکته توجه داشت که معمولاً نگاه مثبت آنان به مجالس مولد النبی، در مقابله با دشمنان‌شان و فرار از تکفیر است. چنانکه المهتد نیز پس از آن نگاشته شد که دیوبندی‌ها توسط علمای حرمین تکفیر شدند و پس از اعتراض دیوبندی‌ها، علمای حرمین پرسش‌هایی را مطرح کردند و آنان برای تغییر نظر علمای حرمین، چنین دیدگاه‌هایی را اتخاذ کردند.

با این حال به خوبی مشاهده می‌شود که در نهایت زیرکی شروطی نیز برای برگزاری مراسم توسط خلیل احمد ذکر می‌شود که عملاً برگزاری این مراسم را غیر ممکن می‌کند. در نتیجه، در نگاه دیوبندی‌ها برگزاری مراسم مولد النبی در ایام ولادت آن حضرت ﷺ، بدعت بوده و ضلالت است.^۱ همچنین در مقام عمل نیز کمتر مشاهده شده است که مجالسی در ایام ولادت پیامبر گرامی اسلام ﷺ توسط دیوبندی‌ها برگزار شود و محافل جشن میلاد برگزار کنند.

نتیجه

با بررسی منابع بریلوی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که شبهات وهابیت مهمترین اختلاف میان مکتب بریلوی و وهابیان است. حتی تأثیر گذاری مکتب وهابیت بر مکتب دیوبند که به اعتقاد بریلوی‌ها از دوران سید اسماعیل دهلوی در کتاب تقویة الایمان - پیش از ظهور مکتب دیوبند - آغاز می‌شود، سبب شده است که دیوبندی‌ها نیز در نوک پیکان حملات شدید بریلوی‌ها قرار گیرند. بر این اساس، ریشه اصلی اختلاف میان بریلویان و وهابیت، چگونگی نگاه به مقامات پیامبر گرامی اسلام ﷺ است. نگاه حداکثری بریلوی‌ها به جایگاه پیامبر سبب شده است که به مسایلی از

۱. فتاوی علمای دیوبند پیرامون مولد النبی در کتابی با عنوان «فتاوی علماء دیوبند فی قضیة الاحفال بالمولد» جمع اوری شده است. گویا اصل این کتاب فارسی بوده و سپس به اردو ترجمه شده و پس از آن به عربی برگردانده شده است.

قبیل سماع موتی، بنای بر قبور، توسل، ولایت تکوینی، استغاثه و نهایتا مولد النبی، نگاهی کاملا حداکثری داشته باشند. در حالی که وهابیت به شدت با این موارد مخالف است. آنان برای ادعای خود دلایلی از کتاب، سنت، اجماع علما و عقل ارایه کرده و به شبهات وهابیت پاسخ می‌دهند. آنچه مکتب بریلوی را در این عرصه آسیب پذیر کرده است، تسری چنین مقاماتی به اقطاب و بزرگان خود و حتی گاه افراد معمولی است. چنین رویکردی، این مکتب را گرفتار نوعی عوام زدگی و خرافه گرایی نیز کرده است. کسانی مانند احسان الهی ظهیر از این آسیب کمال بهره را برده‌اند. اما بی تردید می‌توان از ظرفیت‌های مکتب بریلوی در تقابل با وهابیت استفاده شایانی کرد، مزیتی که تاکنون مغفول مانده است.

۱. بریلوی، احمد رضا، ۱۳۱۹ق، *برکات الامداد لاهل الاستمداد*، لاہور، اعلیٰحضرت نتورک، قابل دسترسی در www.alahazratnetwork.org.
۲. بریلوی، احمد رضا، ۱۴۳۲ق، *الاستمداد علی اجیال الارتداد*، کراچی، مکتبہ برکات المدینہ.
۳. بریلوی، احمد رضا، ۱۴۳۵ق، *حیات الموات فی بیان سماع الاموات*، ترجمہ به عربی و تحقیق: انور احمد بغدادی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول.
۴. بریلوی، احمد رضا، ۲۰۰۶م، *العطايا النبوية فی الفتاوی الرضویة*، لاہور، رضا فاؤنڈیشن.
۵. بریلوی، احمد رضا، ۲۰۰۹م، *الامن و العلی لناعتی المصطفی بدافع البلاء*، تعریب و تحقیق: محمد اختر رضا بریلوی، دمشق، دارالنعمان للعلوم.
۶. بریلوی، احمد رضا، ۲۰۱۲م، *حدائق بخشش*، کراچی، مکتبہ المدینہ.
۷. بریلوی، احمد رضا، بی تا، *اهلاک الوهابیین علی توهین قبور المسلمین*، در: محمد اختر رضا، نمودج حاشیہ الازہری علی صحیح البخاری، ہند، بریلہ، مجمع رضوی.
۸. دہلوی، اسماعیل بن عبدالغنی، ۱۴۱۷ق، *رسالة التوحید* (تقویۃ الایمان)، ترجمہ: ابوالحسن علی حسنی ندوی، مدینہ منورہ، مجمع الملک فہد لطباعہ المصحف الشریف.
۹. سہارنپوری، خلیل احمد، ۱۴۲۵ق، *المہند علی المفند*، تحقیق: محمد بن آدم کوثری، اردن، دارالفتح للدراسات و النشر، چاپ اول.
۱۰. عثمانی، محمد شفیع، بی تا، *فتاوی علماء دیوبند فی قضیۃ الاحتفال بالمولد*، ترجمہ عنایۃ الرحمن اعظمی، اسلام آباد، جمعیۃ الندوۃ التعلیمیۃ.
۱۱. عطاری، محمد ہاشم خان، ۱۴۳۴ق، *میلاد النبی اور معمولات و نظریات*، لاہور، مکتبہ بہار شریعت.
۱۲. علیزادہ موسوی، سید مہدی، *سلفی گری و وہابیت*، ۱۳۹۳ش، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ، چاپ ہفتم.
۱۳. قادری، محمد عنایت اللہ، ۲۰۰۳م، *حاضر و ناظر رسول*، تحقیق: محمود احمد ساقی، لاہور، نوریہ رضویہ.
۱۴. قادری، میان ظاہر شاہ، ۲۰۰۳م، *حقیقت توسل*، پاکستان، مکتبہ غوثیہ مدین

سوات.

۱۵. نعیمی، احمد یارخان، ۲۰۰۳م، *جاء الحق*، لاہور، قادری پبلیشرز.
۱۶. نقشبندی، محمد طیب، ۱۴۳۵ق، *جشن عید میلاد النبی کاجواز*، لاہور، مکتبہ برہان القرآن، چاپ اول.
۱۷. نقشبندی، نور احمد محمود، ۱۴۲۵ق، *اولیاء اللہ سی توسل اور استمداد بعد از وصال* (توسل به اولیای الہی و استمداد از آنها بعد از مرگ)، لاہور، مطبعہ حضرت کرما والا.
۱۸. الہی ظہیر، احسان، ۱۹۸۳م، *البریلویہ عقائد و تاریخ*، لاہور، ادارہ ترجمان السنہ، چاپ اول.
19. <https://darulifta-deoband.com/home/ur/innovations-customs/38505>.

